



حنیف شهپرراد
کارگردان فیلم مستند
«مشت‌زنی در رینگ ترجمه»:

مستندی که شایعات را راستی آزمایی می‌کند

«مشت‌زنی در رینگ ترجمه» مستندی ۷۳ دقیقه‌ای به کارگردانی حنیف شهپرراد و تهیه‌کنندگی آریان عطاپور است که به بررسی زندگی و آثار ذبیح‌الله منصوری، نویسنده و مترجمی که حواشی فراوانی درباره او وجود دارد، می‌پردازد. حنیف شهپرراد در دوره قبلی جشنواره سینما حقیقت با فیلم مستند قلعه خاموش حضور داشت و نامزد بهترین نویسنده‌گی و گفتار متن شد.

لطفا در ابتدا از چگونگی انتخاب این سوژه بگویید.

من همیشه نسبت به آقای ذبیح‌الله منصوری کنجکاو بودم تا اینکه سه سال پیش کتاب «دیدار با ذبیح‌الله منصوری» نوشته روزنامه‌نگار قدیمی، آقای اسماعیل جمشیدی، را خواندم و واقعاً برایم جالب بود. این کتاب مجموعه مصاحبه‌هایی بود که آقای جمشیدی در یک بازه هفت تا هشت ساله با آقای منصوری انجام داده بودند. وقتی این کتاب و مجموعه مقالاتی که در آن چاپ شده بود را خواندم بسیار علاقه‌مند شدم که آن را به فیلم تبدیل کنم؛ اما در آن زمان شرایطش مهیا نشد. تا اینکه موضوع را با آریان عطاپور در میان گذاشتم و او بلافاصله کتاب را از من گرفت و فکر می‌کنم ظرف مدت یک یا دو شب تمام ۵۰۰ صفحه کتاب را خواند. پس از آن، به دیدار آقای اسماعیل جمشیدی رفتم و ایشان فیلم «شهر» که پیشتر ساخته بودم را دید، بسیار پسندید و گفت که در این پروژه به ما کمک خواهد کرد و واقعاً هم کمک زیادی کرد.

در این فیلم چه رویکرد و منظری نسبت به ذبیح‌الله منصوری می‌بینیم؟

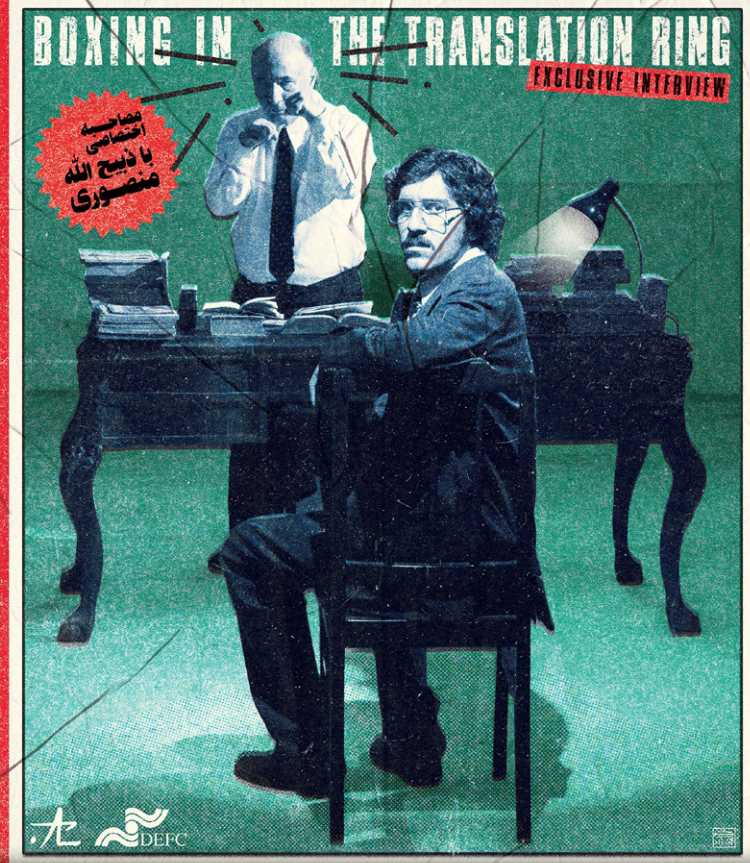
کاری که ما آغاز کردیم این بود که یک مصاحبه پژوهشی با اسماعیل جمشیدی ضبط کردیم و سپس شروع کردیم به طراحی اینکه چگونه می‌توانیم پروژه را پیش ببریم و از چه منظرهایی باید به ذبیح‌الله منصوری نگاه کنیم. سخت‌ترین بخش کار این بود که بتوانیم افرادی را پیدا کنیم که ایشان را دیده باشند، چرا که او فردی نسبتاً گوشه‌گیر بوده است. مسئله بعدی، راستی‌آزمایی شایعاتی بود که پیرامون ذبیح‌الله منصوری وجود داشت. ما تقریباً بسیاری از کتاب‌های او، که تعدادشان هم زیاد است را بررسی کردیم. کلکسیونرهایی که آثار منصوری را جمع‌آوری می‌کنند، نزدیک به ۳۰۰ جلد از کتاب‌های او را دارند. پس از تورق کتاب‌های او، آن‌هایی را که تصور می‌کردیم شایعات بیشتری پیرامونشان وجود دارد، یا کتاب‌هایی که بیشتر خوانده شده‌اند را مورد بررسی قرار دادیم و در نهایت، در فیلم به چند کیس بیشتر از بقیه پرداختیم و برجسته کردیم تا نشان دهیم شیوه کار منصوری به چه شکل بوده است. هر کدام از این موارد، نماینده نوعی از سبک و روش کار منصوری بودند. ما در کنار پژوهش، مصاحبه‌هایی را که حدود ۵۰ سال پیش انجام شده بود را نیز بازسازی کردیم و رضا بهبودی و امین قنبری نقش اسماعیل جمشیدی و ذبیح‌الله منصوری را بازی کردند. در عین حال، ما به دنبال مطرح کردن دوگانه‌های مختلفی پیرامون منصوری بودیم؛ کسی که بازاری می‌نویسد در برابر کسی که ادبی می‌نویسد؛ وفاداری در برابر عدم وفاداری و در نهایت محبوب دل مردم در برابر کسی که مورد شتمات روشنفکران است.

فکر می‌کنم بخش بازسازی علاوه بر جذابیتی که به اثر می‌بخشد، می‌تواند یک بُعد داستانی هم ایجاد کند.

یک نکته بسیار مهم برای من این بود که ذبیح‌الله منصوری به عنوان نویسنده یا مترجم (حالا این خود یکی از مباحث فیلم است) معروف است به اینکه به شدت توان بالایی در قصه‌گویی دارد، و فیلم ما نیز باید

مشت‌زنی در رینگ ترجمه

کارگردان: حنیف شهپرراد / تهیه‌کننده: آریان عطاپور / پژوهش و اقتباس: حنیف شهپرراد و آریان عطاپور
فیلم‌ساز: محمد رضا تیموری / تدوین: ابراهیم اصغری / دستیار کارگردان: سعید موهبی / آهنگساز: شاهین اشرفیان / طراح لباس: زاله زاده / مدیر تولید: مرگان صیادی
DIRECTOR: HANIF SHAHPAR RAD / PRODUCER: ARIAN ATTARPOUR
RESEARCHER AND WRITER: HANIF SHAHPAR RAD & ARIAN ATTARPOUR
CINEMATOGRAPHER: MOHAMMADREZA TEYMOURI / EDITOR: EBRAHIM ASGHARI
COMPOSER: SHAHIN ASHRAFIAN / ASSISTANT DIRECTOR: SAIED MOHAEI
COSTUME DESIGNER: ZHALEH ZAKIZADEH / PRODUCTION MANAGER: MOZGHAN SAYYADI
STARRING: REZA BEHBOUDI - AMIN GHANBARI



این کاری بود که واقعا ابراهیم اصغری تدوینگر فیلم به سختی انجام داد چرا که پروسه‌اش واقعا سخت بود. بازسازی کار بدین ترتیب انجام شد و البته حضور رضا بهبودی که فکر می‌کنم بدون اون اصلا چنین کاری امکان پذیر نبود. توان بالا آقای بهبودی و اینکه توانست طنز و جدیت لحظاتی از مصاحبه را با این دقت ایفا کند به ما خیلی کمک می‌کرد که بتوانیم اثر را از آن حالت نمایشی بیشتر به سمت سینمایی شدن ببریم و بیش از حالتی تئاتری یا یک مستند بازسازی یک وجه سینمایی به اثر می‌داد. در حقیقت رضا بهبودی واقعا شاهکار کرد و بسیار جالب است که ایشان از نظر منش کاری شباهت‌هایی نیز به آقای منصوری دارند یعنی در کار و حرفه خود متخصص هستند و بدور از حاشیه و جنجال کارشان را انجام می‌دهد و نکته جالب‌تر اینکه خود آقای بهبودی جزو کسانی هستند که از جوانی آثار ذبیح‌الله منصوری را مطالعه کرده‌اند و این نکته فرا فیلم جالبی بود که لطف خاصی برای ما داشت. آقای بهبودی جزو هنرپیشه‌های باسواد و فرهیخته هستند و واقعا کار کردن با ایشان لذت بخش است.

کل فرایند ساخت از لحظه‌ی شروع تا اتمامش چقدر طول کشید؟

فکر می‌کنم نزدیک دو سال پیش بود که من

و آریان تصمیم گرفتیم این فیلم را بسازیم منتها فیلمبرداری ما حدوداً در شهریور ۱۴۰۳ آغاز کردیم. ما برای این مستند سه دوره فیلم برداری داشتیم، دوره اول که حدود ۷۰ درصد فیلمبرداریمان را در بر می‌گرفت، دوره دوم بخش‌های بازسازی و دوره سوم نیز به دو مصاحبه بسیار ضروری اختصاص داشت که بعد از مونتاژ به کار اضافه شد و اضافه شدن این دو مصاحبه تنها جای خالی فیلم نیز پر شد.

اگر بخواهیم «مشت‌زنی در رینگ ترجمه» را در سبک و دسته بندی خاصی قرار دهیم آیا می‌توانیم آنرا یک مستند پرتره بدانیم؟

ایشتر تا حدی با یک پرتره صرف فاصله دارد اما یک سری ویژگی‌های پرتره را نیز دارد. یعنی واقعا تمرکز فیلم روی ذبیح‌الله منصوری است و می‌توانیم آنرا یک پرتره بدانیم اما ما مسائل پیچیده‌تری را در این فیلم مطرح کردیم یعنی دوگانه‌های تاریخی که اتفاق افتاده و ... من سعی کردم در این فیلم برعکس آن پرتره‌هایی که پیشتر ساخته‌ام به تاریخ نگاری جدای از شخصیت نپردازم و تمرکزمان بیشتر رو خود منصوری باشد. با اینحال عنوان مستند پرتره نزدیکترین عنوان به این فیلم است.

اما سوال آخرم در مورد خود جشنواره حقیقت است شما پیشتر نیز حضور پررنگی در جشنواره داشتید. آیا در چند سال اخیر جشنواره سینما حقیقت همچنان آن رنگ و بوی سال‌های اوج خود را دارد؟

به نظرم اگر جشنواره سینما حقیقت فاصله‌اش را با جامعه و احتیاجات فرهنگی روز آن کمتر کند طبیعتاً جذابیتش بیشتر می‌شود. این درست است که با وجود مدیوم‌های جدید و شیوه‌های که مردم می‌توانند اطلاعات دریافت کرده و مثلاً مستندها را ببینند تا حدی طبیعی است که خود جشنواره افت کند ولی نمی‌توان منکر شد که وقتی نظارت‌ها بیشتر می‌شوند طبیعی است که از اهمیت جشنواره کاسته خواهد شد. اما این امر در یک پروسه ده ساله اتفاق افتاده و صرفاً بحث امسال یا چند سال اخیر نیست. با اینکه در این ده سال فیلم‌های خوبی نیز در جشنواره حضور داشتند و اساساً این کاهش جذابیت به فیلم‌ها ربطی ندارد اما به هر روی یک سری از فیلم‌ها دیگر چندان علاقه‌ای به شرکت در این فستیوال ندارند. خود من نیز امسال فیلمی مونتاژ کردم اما مسئله ممیزی اجازه حضور در جشنواره را نداد و اتفاقاً فیلم خیلی خوبی هم بود. این فیلم‌ها که اتفاقاً با موضوعات روز قریب هم دارد ساخته می‌شوند و می‌توانند به جذابیت جشنواره بیافزایند، ولی شخصاً نمی‌دانم که چطور باید این مسئله را حل کرد. به هر حال فیلمسازان راه خودشان را می‌روند و جشنواره هم اگر بخواهد با همین رویه پیش برود در همین سطح باقی می‌ماند و رشد خاصی هم نمی‌کند. خوشبختانه هنوز هم فیلم‌های خوبی در جشنواره حضور دارند و همین فیلم‌ها هستند که به جشنواره‌ها اعتبار می‌دهند ولی کیفیت لیبل‌های جشنواره نیز روی فیلم‌ها تاثیر می‌گذارد. من به عنوان کسی که از دوره اول جشنواره حقیقت به عنوان مخاطب در سالن حضور داشتم تا این چهار سال اخیر که یکی از فیلم‌های خودم نیز بخاطر همین رویکرد جشنواره بیرون ماند و این سومین دوره‌ای است که به صورت متوالی در این جشنواره فیلم دارم، می‌بینم این فاصله میان جشنواره و احتیاجات فرهنگی روز جامعه وجود دارد

آیا «مشت‌زنی در رینگ ترجمه» بعد از جشنواره به اکران عموم خواهد رسید؟

هدف ما نمایش این فیلم بوده و اساساً انتخاب کردن این موضوع و شیوه کار ما این بوده که این فیلم نمایش عمومی داشته باشد. از آنجاییکه مخاطب فیلم ما کاملاً ایرانی است برای من بسیار مهم است که مردم تا آنجایی که می‌شود فیلم را ببینند. طبیعتاً کسانی که نسبت به شخصیت ذبیح‌الله منصوری کنجکاو دارند نیز همچنین و می‌خواهیم ببینیم که جذابیت‌هایی که در این فیلم هفتاد و سه دقیقه‌ای ایجاد کرده‌ایم آن کشش دارد یا نه و واقعا این موضوع برای ما بسیار مهم بوده و است. درست است که موضوع اثر موضوع روشنفکرانه‌ای است اما دلم می‌خواهد دیگر مخاطبانی که کمتر به موضوعات ادبی و یا روشنفکری علاقه دارند نیز این فیلم را ببینند.